

## انعکاس جشن‌های ملی و مذهبی عصر غزنوی در آیینۀ تاریخ بیهقی

رسول رستمی<sup>۱</sup>

فرهاد پروانه<sup>۲</sup>

مجتبی گراوند<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۸

### چکیده

یکی از مظاهر تمدن، نزد هر ملتی جشن‌هاست که ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم یک جامعه دارند. ابوالفضل بیهقی دبیر رسایل دربار غزنوی از جمله نویسندگانی است که به‌طور غیرمستقیم در اثر گران سنگ خود (تاریخ بیهقی) به جشن‌های عصر خویش پرداخته است. مسئله اصلی پژوهش پاسخ به این سؤال است: جشن‌های ملی و مذهبی عصر غزنوی در تاریخ بیهقی چگونه انعکاس یافته است؟ پژوهش حاضر با هدف مشخص کردن انعکاس جشن‌های ملی و مذهبی دوره غزنویان، در کتاب تاریخ بیهقی انجام شده است. به این منظور با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه دقیق تاریخ بیهقی پرداخته و تمامی مفاهیم و واژه‌هایی که در زمینه جشن‌های ملی و مذهبی بار معنایی داشته‌اند، استخراج و تفسیر شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، بیهقی در اثر معروف خود، به خوبی توانسته است، بازتاب جشن‌های ملی و مذهبی عصر غزنوی را به تصویر بکشد.

**کلید واژه‌ها:** بیهقی، تاریخ بیهقی، عصر غزنوی، جشن‌های ملی و مذهبی.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد ایران‌شناسی (گرایش تاریخ) از دانشگاه شهید بهشتی تهران. دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه پیام نور و آزاد.

rostami.raso190@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه لرستان. دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه پیام نور و آزاد. farhad.parvaneh@yahoo.com (نویسنده مسئول)

همراه ۹۱۸۸۳۴۳۱۸-۰

<sup>۳</sup> استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه لرستان Garavand.m@lu.ac.ir

## مقدمه

از زمانی که انسان به نگاهداشت حساب زمان و شماره‌ی روزها پرداخت، از آنجا که زندگی‌اش همراه با تحولات و پیامدهایی بود که گاه فقط یک‌بار و گاه به‌صورت دوره‌ای و سالانه به وقوع می‌پیوستند، در این نگاهداشت زمان، روزها و دوره‌هایی را به گرامیداشت آن رخدادها اختصاص داد. بدین‌سان وی- در هر جامعه‌ای که بوده- پیوسته روزها یا دوره‌هایی خاص، متمایز از روزهای عادی را برای برگزاری یا بازآفرینی آیینی یا استقبال از فصل‌ها و مناسبت‌های کشاورزی، دینی یا اجتماعی گرامی داشته است. بزرگداشت چنین روزها یا مناسبت‌هایی به فرد و نیز جامعه‌ی دینی، سیاسی و اجتماعی وی معنا و یکپارچگی می‌بخشیده است. از آنجاکه این قبیل روزها یا دوره‌ها عموماً ریشه در وضع معیشتی، زندگی اجتماعی و مناسبت‌های دینی یا آیینی و یا فصلی‌ای داشته‌اند که به شادی و شادی خواری همگانی همراه بوده‌اند، از این‌رو آن‌ها را جشن نامیده‌اند. برپایی جشن‌ها و عیده‌ها نشان پویایی و شادابی یک جامعه است. بنابراین آداب‌ورسوم اجتماعی آیینی فرهنگ ملت‌هاست.

به گفته‌ی محققان، در ایران پیش از اسلام جشن‌های فراوانی برگزار شده است که تعداد آنان را تا بیست‌وچهار جشن ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

«بدون شک فرهنگ غنی ایرانی سرشار از آداب‌ورسومی است که هریک به‌نوبه‌ی خود نشان‌دهنده عقاید، آراء، تفکرات و فرهنگ جامعه ایرانی‌اند. برخی از این آداب‌ورسوم ریشه در عمق تاریخ این سرزمین فرهنگ دوست دارند و منشأ آن‌ها به قرن‌ها پیش مربوط می‌شود، این‌گونه آداب و سنن آن‌چنان در فرهنگ ایرانی عمق و نفوذ یافته‌اند که آثار ادیبان نیز از تأثیر آن‌ها بی‌بهره نبوده است»<sup>۲</sup>

پس از ورود اسلام به ایران نیز عیده‌های اسلامی به جشن‌های ایرانی افزوده‌شده و با آداب و شکوه خاصی برپا می‌شده است. ابوالفضل بیهقی دبیر رسایل دربار غزنوی از جمله نویسندگانی است که به‌طور غیرمستقیم در کتاب خود (تاریخ بیهقی) به آداب‌ورسوم عصر خویش پرداخته است.

بهترین کتابی که ما را از رسوم درباری و جشن‌های ملی و مذهبی در قرون اسلامی آگاه می‌کند کتاب مقامات مسعودی تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (متوفی به سال ۴۷۰ هجری) است. در این کتاب به برخی از جشن‌های متداول در دربار غزنوی برمی‌خوریم و این مشت خود نمونه‌ای از خروار است. زیرا برگزاری چنین جشن‌هایی حکایت از آن دارد که در دربار سلاطین ایران در قرون

اسلامی جشن‌های ملی و مذهبی با همین رسوم و یا مراسمی نظیر آن‌ها برپای می‌شده است. در عصر غزنوی مثلاً رسوم جشن مهرگان را با مراسم قدیمه‌ی آن شباهتی کامل و فقط یکی از وجوه تمایز آن‌ها با آیین سابقه این است که شاه در این دوره بیش از یکی دو روز به جشن نمی‌نشست و این معنی از مطالعه‌ی کتاب سابق اشاره به‌خوبی برمی‌آید.

این کتاب را که شناسنامه و سند ماندگار عصر غزنوی است می‌توان به‌مثابه‌ی آیین‌های دانست که منعکس‌کننده آداب و رسوم عصر غزنویان - که سلسله‌ای ترک نژاد بودند - است. زیرا خواننده با مطالعه‌ی گذرا بر این اثر ادبی - تاریخی می‌تواند اطلاعات مفید و ارزنده‌ای را از فرهنگ و سنن این قوم ترک نژاد حاکم بر ایران به دست آورد. از آنجاکه از بازتاب جشن‌ها می‌توان با اندیشه و فکر مردم هر عصر آشنا شد و به ارزش آن پی برد در این نگاره سعی شده است با مطالعه کتب مختلف در مورد جشن‌های ملی و مذهبی و تکیه بر داده‌های فراهم‌شده از تاریخ بیهقی در پایان‌نامه‌ی دریافت کارشناسی ارشد خویش (بازتاب زندگی اجتماعی ایرانیان در متون منتخب) انعکاسی از جشن‌های ملی - مذهبی عصر غزنوی را در تاریخ بیهقی پیش روی خوانندگان عزیز قرار دهم.

در تاریخ بیهقی از جشن‌ها و آیین‌های ملی ایرانیان از جمله نوروز و مهرگان و سده، اعیاد مذهبی همچون فطر و قربان، مجالس نشاط و شراب، مراسم عروسی و سوگواری ... و صدها نکات و مسائل اجتماعی دیگر در خلال بیان مسائل تاریخی که جملگی از مسائل جامعه‌شناسی عهد غزنوی محسوب می‌شود سخن رفته است.<sup>۳</sup> در این بین، چنین به نظر می‌رسد که غزنویان به ظاهر دوستدار اسلام و ایران بودند. نوروز و مهرگان و سده را به خاطر ایرانیان و عید فطر و اضحی را به خاطر خلیفه و به قولی، هر دو را در حقیقت برای محکم کردن پایه‌های سلطنت خود جشن می‌گرفتند.<sup>۴</sup>

در کتاب تاریخ بیهقی مطالب مفیدی در خصوص جشن‌های عصر غزنوی وجود دارد که می‌توان به چگونگی برپایی این جشن‌ها در دربار و میان مردم پی برد. برخی از این جشن‌ها ملی است و برخی مذهبی.

از جشن‌های ملی که باشکوه خاصی در دربار امیر مسعود برگزار می‌شد، می‌توان به جشن مهرگان و سپس سده و نوروز اشاره کرد. از جشن‌های مذهبی که در تاریخ بیهقی زیاد نام برده شده، عید فطر و عید اضحی (قربان) است. امروزه از جشن‌های ملی ایرانیان فقط جشن نوروز برجای مانده که هر ساله باشکوه خاصی برگزار می‌شود و جشن‌های مذهبی پای برجا است.

این پژوهش تنها به انعکاس جشن های ملی و مذهبی دوره غزنویان در کتاب تاریخ بیهقی می پردازد.

امید است که مورد توجه و استفاده خوانندگان و فرهنگ دوستان این مرز و بوم قرار گیرد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر: وضعیت جشن های ملی و مذهبی عصر غزنوی در کتاب تاریخ بیهقی چگونه انعکاس یافته است ؟

هدف کلی این پژوهش: مشخص کردن وضعیت انعکاس جشن های ملی و مذهبی عصر غزنوی در تاریخ بیهقی است.

فرضیه اصلی این پژوهش: بیهقی در اثر معروف خود به خوبی توانسته است که بازتاب جشن های ملی و مذهبی دوره غزنویان را به تصویر بکشد.

روش تحقیق: در این پژوهش برای گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و مطالعه منابع اصلی و دست دوم مرتبط با موضوع مورد نظر استفاده شده و با کمک روش توصیفی- تحلیلی، منبع اصلی این موضوع (تاریخ بیهقی) با دقت و ظرافت تمام مورد مطالعه قرار گرفته و تمامی مفاهیم، مقوله ها و واژگانی که در زمینه جشن های ملی و مذهبی دارای بار معنایی بودند، استخراج و تفسیر شده است.

پیشینه پژوهش: با توجه به مطالعات و بررسی های انجام شده در زمینه سابقه این پژوهش باید خاطر نشان کرد که کتاب ها، مقالات و پایان نامه های بسیار زیادی درباره تاریخ بیهقی از نگاه ها و موضوعات مختلفی در طی سالهای گذشته و اخیر نگاشته شده است. لیکن مهمترین تالیفاتی که با این پژوهش مرتبط بوده و نگارندگان این مقاله نیز از آنها کمک جسته، به شرح ذیل می باشند:

جشن مهرگان به روایت ابوالفضل بیهقی»، فصلنامه هستی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۲. در این پژوهش فقط به بررسی جشن مهرگان به طور اختصاصی پرداخته شده است.

طاهری اوروند، صفی اله، بررسی مراسم و آیین ها در تاریخ بیهقی (پایان نامه کارشناسی ارشد) احمد حسینی کازرونی (استاد راهنما) دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۳ در پایان نامه نامبرده، بیشتر مراسم ها و آیین های دوران غزنوی از نگاه تاریخ بیهقی بصورت کلی مورد بررسی قرار گرفته است.

فرجامی، علیرضا، آیین ها و سنت ها در تاریخ بیهقی (پایان نامه کارشناسی ارشد) محمدعلی

صادقیان (استاد راهنما)، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۸۱. در پایان‌نامه نامبرده، بیشتر مراسم‌ها و آیین‌های دوران غزنوی از نگاه تاریخ بیهقی بصورت کلی مورد بررسی قرار گرفته است.

میری، لیلا، شادی‌گرایی در تاریخ بیهقی، تهران، تیرگان، ۱۳۸۵. در مقاله خانم میری نیز فقط به جشن‌ها و مراسم‌های که در آن شادی و نشاط بوده است پرداخته شده و مراسم‌های مذهبی و ... نیامده است.

جشن‌های ایرانی در تاریخ بیهقی، نویسنده رضاه شاه ملکی، رشد آموزش تاریخ، دوره هفدهم، شماره ۳، بهار ۱۳۹۵. در این مقاله نیز فقط جشن‌های ملی مورد توجه بوده و از جشن‌های دینی و مذهبی سخنی به میان نیامده است.

در مجله اینترنتی اسرارنامه سال ۱۳۹۲، نیز مطلبی تحت عنوان جشن باستانی نوروز در تاریخ گران‌سنگ بیهقی آورده شده است.

مقاله‌ای کوتاه تحت عنوان بررسی جشن‌ها در تاریخ بیهقی در سایت دبیرخانه زبان و ادبیات فارسی شهر تهران وجود دارد که توسط سرگروه درس ادبیات فارسی در سال ۱۳۹۱ به نگارش در آمده است.

مقاله‌ای تحت عنوان، چهار جشن موسمی در تاریخ بیهقی، توسط دکتر الهه معروضی نیز به نگارش در آمده است.

جنبه نوآوری این پژوهش: همان‌طور که از اسامی و موضوعات مقالات ذکر شده بر می‌آید، یا بصورت کلی و عمومی سنت‌ها و جشن‌ها رو توضیح و تفسیر کرده‌اند (جامع) و یا برخی از آنها فقط به یکی از جشن‌ها مانند (مهرگان) و یا فقط به جشن‌های ملی پرداخته‌اند. (مانع).

در حالی که نگارندگان در تحقیق پیش‌رو سعی کرده‌اند که پژوهشی جامع و مانع، که اطلاعات ارزشمندی از جشن‌های ملی و مذهبی عصر غزنوی و آنهم فقط در کتاب تاریخ بیهقی و بصورت یکجا، دقیق و کامل، به خوانندگان عزیز عرضه نمایند.

جشن: لغت "جشن" نیز در فارسی از لغت "یسن" اوستایی به یادگار مانده است، چون اصلاً همه اعیاد، ریشه دینی داشته‌اند، چنانکه در جشن مهرگان به ستایش و پرستش مهر و اجرای مراسم دینی می‌پرداختند.<sup>۵</sup>

جشن‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛

## ۱) جشن های ملی

### ۱-۱) جشن نوروز

نوروز اولین روز بهار، آغاز سال نو و بزرگ‌ترین جشن ملی ایرانیان است که در اساطیر ایرانی به جمشید پادشاه پیشدادی نسبت داده شده و آن را «نوروز جمشیدی» نامیده‌اند.

نوروز بزرگ‌ترین جشن ایرانی است که بعد از اسلام نیز بسیار گرامی داشته شد و علت آن نیز به اعتقاد برخی، اسلامی شدن نوروز است، که به‌زعم آنان این کار بیشتر از سوی شعوبیه به‌منظور مبارزه‌ی فرهنگی با اعراب و حس برتری‌جویی نسبت به آن‌ها، انجام گرفت.<sup>۶</sup>

این جشن تاکنون با قوت و شکوه برپاست و به قول مرحوم دکتر عبدالحسین زرین‌کوب: «آنچه قبل از پیدایش نوروز در همان روز تحویل سال شمسی در نواحی دیگر اتفاق افتاده است در سنت‌های مربوط به نوروز انعکاس یافته است و باقی است»<sup>۷</sup>.

این جشن بزرگ که از زمان جمشید تاکنون در فرهنگ ایرانی خودنمایی می‌کند، در تمام ادوار شعر و نثر فارسی مجال انعکاس و بروز داشته است.

فردوسی بزرگ در شاهنامه به آغاز برگزاری عید نوروز این‌چنین اشاره می‌کند:

به جمشید بر گوهر افشاندند	مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فروردین	برآسوده از رنج تن دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند	می و جام و رامشگران خواستند.

در نوروز باستان پنج روز اول فروردین نوروز عامه بود، شاه بار عام می‌داد و هرروز گروهی از مردم را برای شادباش نوروزی به حضور می‌پذیرفت. روز ششم، نوروز بزرگ و نوروز خاصه خوانده می‌شد. شاه به خلوت می‌رفت و با نزدیکان خود می‌نشست.

ابوالفضل بیهقی در کتاب تاریخ بیهقی به برگزاری این جشن در عصر غزنوی چنین اشاره نموده است:

«و روز سه‌شنبه چهار روز باقی‌مانده از جمادی‌الاولی امیر (مسعود) بجشن نوروز نشست، و داد این روز بدادند کهتران به آوردن هدیه‌ها؛ و امیر هم داد بنگاهداشت رسم؛ و نشاط شراب رفت سخت بسزا، که از توبه‌ی جیلیم تا این روز نخورده بود»<sup>۸</sup>. و یا :

«امیر بجشن نوروز بنشست روز چهارشنبه هشتم جمادی‌الآخری»<sup>۹</sup>. نیز آورده است که :

«و روز پنجشنبه هژدهم ماه جمادی الاخری امیر بچشن نوروز بنشست؛ و هدیه‌ها بسیار آورده بودند و تکلف بسیار رفت؛ و شعر شنود از شعرا، که شادکام بود در ین روزگار زمستان و فارغ‌دل و فترتی نیفتاد، و صلت فرمود و مطربان را نیز فرمود»<sup>۱۰</sup>.

جشن نوروز تنها جشن ملی و باستانی به‌جامانده به‌عنوان یک میراث فرهنگی در دوران معاصر همواره مورد توجه مردم قرار داشته است و هرساله باشکوه خاصی برگزار می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که جشن‌های ملی و باستانی ایران باوجوداینکه غزنویان غیر ایرانی و ترک نژاد بودند، در این دوره از اهمیت و ارزشی خاص برخوردار بوده و جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و با آداب‌ورسوم خاص و تکلف بسیاری برگزار می‌شده است.

### ۱-۲) جشن سده:

جشن سده از جشن‌های قدیمی ایرانیان و آتش‌افروزی از جمله مراسم آن است. این جشن در شب دهم بهمن‌ماه برگزار می‌شود<sup>۱۱</sup>. در باب اهمیت این روز و سبب نامیدن آن و آتش افروختن، روایت‌های مختلفی آورده‌اند. از جمله نوشته‌اند که از این روز تا نوروز پنجاه روز و پنجاه شب (جمعاً یک‌صد) است و نیز گفته‌اند که در این روز بود که شمار فرزندان پدر نخستین به یک‌صد نفر رسید<sup>۱۲</sup>. از این‌رو به آن «سده» گفته‌اند. به روایت دیگر جشن سده (به مناسبت گذشتن صد روز از آغاز زمستان پنج‌ماهه) از اعیاد پرشکوه و عظیم ایرانیان بوده است که بازتاب فراوانی در اشعار و روایات عصر غزنوی دارد.

حکیم ابوالقاسم فردوسی آغاز پیدایش جشن سده را چنین روایت می‌کند:  
عنصری بعنصری بلخی جشن سده را منسوب به فریدون دانسته و در اشعار خود پیدایش آن را چنین روایت می‌کند:

جهاندار هوشنگ با رای و داد  
 بگشت از برش چرخ سالی چهل  
 یکی روز شاه جهان سوی کوه  
 پدید آمد از دور چیزی دراز  
 دو چشم از بر سر چو دوچشمه خون  
 نگه کرد هوشنگ باهوش و سنگ  
 به زور کیانی رهانید دست  
 برآمد به سنگ گران سنگ خرد  
 فروغی پدید آمد از هردو سنگ  
 نشد مار کشته ولیکن زراز  
 جهاندار پیش جهان آفرین  
 که او را فروغی چنین هدیه داد  
 یکی جشن کرد آن شب و باده  
 زهوشنگ ماند این سده یادگار<sup>۱۳</sup>

به جای پدر تاج بر سر نهاد  
 پر از هوش مغز و پر از رای دل  
 گذر کرد با چند کس هم گروه  
 سیه رنگ و تیره تن و تیزتاز  
 زدود دهانش جهان تیره گون  
 گرفتش یکی سنگ و شدتیز چنگ  
 جهان سوز مار از جهانجوی جست  
 همان و هم این سنگ بشکست گرد  
 دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ  
 از این طبع سنگ آتش آمد فراز  
 نیایش همی کرد و خواند آفرین  
 همین آتش آنگاه قبله نهاد  
 سده نام آن جشن فرخنده کرد  
 بسی باد چون او دگر شهریار خورد

زفریدون و از جم یادگار است

کز و نور تجلی آشکار است

و گرشب روز شد خوش روزگار است

که بس پرنور و روحانی دیار است

سده جشن ملوک نامدار است

زمین گویی تو امشب کوه طور است

گراین روز است شب خواندش نباید

همانا کاین دیار اندر بهشت است

در تاریخ بیهقی و در روزگار سلطان مسعود آمده که جشن سده در شب برگزار می شد و از چند روز قبل از فرارسیدن سده، هیزم و چوب گز جمع می کردند و در صحرائی روی هم می انباشتند و آتش عظیم بر پا می ساختند و نوازندگان به مجلس آرای و شاه و اطرافیان به نشاط مشغول بودند.

«... و سده نزدیک بود، اشران سلطانی را و از آن همه لشکر بصحرا بردند و گز کشیدن گرفتند تا سده کرده آید و پس از آن حرکت کرده آید؛ و گز می آوردند در صحرائی که جوی آب بزرگ بود، بر آن برف می افکندند تا به بالای قلعتی برآمد؛ و چهارطاقها بساختند از چوب سخت بلند و آن را بگز بیا گندند و گز دیگر جمع کردند که سخت بسیار بود و بیالای کوهی برآمد بزرگ. واله بسیار و کیوتر و آنچه رسم است از دارات این شب بدست کردند<sup>۱۴</sup>».



بیهقی نیز در تاریخ خود نوشته است که سلطان مسعود غزنوی جشن سده را آن‌چنان برگزار کرده بود که فروغ آتش سده را دو فرسخی می‌توانسته‌اند دید.

«و سده فراز آمد، نخست شب امیر بر لب جوی آب که شرعی زده بودند، بنشست وندی‌مان و مطربان بیامدند و آتش به هیزم زدند- و پس از آن شنیدم که قریب ده فرسنگ فروغ آن آتش بدیده بودند- و کبوتران نفت اندود بگذاشتند و ددگان برف اندود و آتش زده دویدن گرفتند و چنان سده یی بود که دیگر آن‌چنان ندیدم و آن بخرمی بی‌پایان آمد»<sup>۱۵</sup>.

### ۱-۳) جشن مهرگان:

یکی از جشن‌های باستانی ایرانیان است که درباره‌ی پیدایش این جشن نیز همانند نوروز، روایت‌های بسیاری ذکر شده است. ابوریحان بیرونی می‌گوید: «چون در این روز آفتاب برای اهل عالم پیدا شد، پس آن را مهرگان نامیدند.» وی دلیل این ادعا را چنین می‌آورد که: «از آیین‌های پادشاهان ساسانی در این روز آن بود که تاجی به شکل خورشید بر سر می‌گذاشتند و جشن‌های ویژه‌ای برپا می‌داشتند»<sup>۱۶</sup>.

مهرگان از روز شانزدهم مهرماه آغاز می‌شد و به‌روز بیست و یکم رام روز پایان می‌یافت.<sup>۱۷</sup> مشهورترین روایت در سبب بزرگداشت این جشن آن است که می‌گویند در این روز بود که فریدون بر ضحاک پیروز شد و او را در کوه دماوند به بند کشید.<sup>۱۸</sup> فردوسی، در داستان به بند کردن ضحاک، جشن مهرگان را منسوب به زمان فریدون دانسته و می‌گوید:

<p>فریدون چون شد بر جهان کامگار به‌رسم کیان تاج و تخت مهی به‌روز خجسته سر مهرماه زمانه بی‌انده گشت از بدی دل از داوری‌ها بپرداختند نشستند فرزندان شادکام می‌روشن و چهره شاه نو بفرمود تا آتش افروختند پرستیدن مهرگان دین اوست کنون یادگار ست از و ماه مهر</p>	<p>ندانست جز خویش‌تن شهریار بیاراست با کاخ شاهنشاهی به سر بر نهاد آن کیانی کلاه گرفتند هر کس ره ای‌زدی به آیین یکی جشن نو ساختند گرفتند هریک زیاقوت جام جهان نو زاد و سر ماه نو همه غبر و زعفران سوختند تن‌آسانی و خوردن آیین اوست به کوش و به رنج ایچ نمای چهر<sup>۱۹</sup></p>
---	--

از برگزاری جشن مهرگان در دوره غزنوی، آگاهی بیشتری در دست است. زیرا حکومت غزنوی برای آن که پایه‌های سلطنت خود را در ایران محکم کند به تجدید و برپایی این جشن‌ها توجه خاصی داشت. ابوالفضل بیهقی از برگزاری این جشن در زمان سلطان محمود غزنوی در سال‌های ۴۲۸، ۴۲۹ و ۴۳۰ هجری قمری که خود شاهد بوده، خبر می‌دهد. وی می‌نویسد:

«و روز یکشنبه چهارم ذوالحجه بجشن مهرگان نشست و از آفاق مملکت هدیه‌ها که ساخته بودند پیشکش را در آن وقت بیاوردند و اولیا وحشم نیز بسیار چیز آوردند و شعرا شعر خواندند و صلت یافتند، که این خداوند شعری خواست و بر آن صلت‌های شگرف می‌فرمود<sup>۲۰</sup>».

در این روزها هدایای حکام و امرا و پادشاهان ممالک اطراف و درباریان و ندماء به عرض شاه می‌رسد و سفرا و رسولان امرا و شاهان به خدمت می‌آیند و شاعران قصاید غراً در تهنیت سلطان و وصف مهرگان می‌سرودند و صلت‌های گران می‌یافتند. وقایع‌نگاران زمان قصاید تبریکه‌ی مزبور را در سالنامه‌ها (تقاویم) ضبط می‌کردند و مطربان و رامشگران به رامشگری می‌پرداختند و صلت می‌یافتند و اگر پادشاه به شراب خوری عادت داشت، نشاط شراب می‌کرد و معمولاً در ایوان پذیرایی شاه خوانی بزرگ با تکلفات فراوان می‌نهادند<sup>۲۱</sup>.

این نکته را نیز باید در نظر داشت که احترام ایام مذهبی اسلام و اعیاد یا روزهای مقدس گاه باعث می‌شد که در جشن‌هایی که مصادف با این نوع از ایام می‌گشت سرور و نشاط شراب و سماع در کار نبود بلکه فقط به عرض هدایا اکتفا می‌شد و این مطلب از مسطورات تاریخ بیهقی در برگزاری جشن مهرگان سال ۴۲۹ هجری قمری که مصادف با روز عرفه بوده است، به‌خوبی برمی‌آید.

«و روز چهارشنبه نهم ذوالحجه بجشن مهرگان بنشست و هدیه‌های بسیار آوردند؛ و روز عرفه بود، امیر روزه داشت و کس را زهره نبود که پنهان و آشکارا نشاط کردی<sup>۲۲</sup>».

وی همچنین از جشن مهرگان سال ۴۳۰ هجری قمری و شرح برگزاری آن سخن می‌گوید، مهرماه و فروردین‌ماه که به ترتیب آغاز اعتدال پاییزی و اعتدال بهاری است و در آن روز و شب برابرند، زمانی هردو را به‌عنوان آغاز سال جشن می‌گرفتند: «... و برخی مهرگان را بر نوروز برتری دادند. چنانکه پاییز را بر بهار برتری داده‌اند و تکیه‌گاه ایشان این است که اسکندر از ارسطو بپرسید

کدام‌یک از این دو فصل بهتر است؟ ارسطو گفت: پادشاه! در بهار حشرات و هوام آغاز می‌کند که نشو یابند و در پاییز آغاز ذهاب آن‌هاست، پس پاییز از بهار بهتر است.»

در جشن مهرگان در عصر غزنوی رسم چنان بود که امیر با درباریان مجلس نشاط گسترده و به می‌گساری می‌پرداخت و این در حالی بود که در هنگام تجلیل هم غرق در شادی و سرور بوده و سخن‌سرایان و شاعران با سرودن اشعار روح‌پرور همه را غرق شادی می‌ساختند، ستایشگران و مطربان و خنیاگران خوش‌ذوق، صله دریافت می‌کردند. بعضی از مورخان را چنین عقیده بود که دوران دودمان آل ناصر، جشن مهرگان، مراسم خاصی برگزار می‌شد. چنانکه ابوالفضل بیهقی مورخ نامدار آن دوره چنین روایت کرده است:

«روز دوشنبه دو روز مانده از ماه رمضان بجهن مهرگان بنشست و چندان نثارها و هدیه‌ها و طرف و ستور آورده بودند که از حد و اندازه بگذشت؛ و سوری صاحب دیوان بی‌نهایت چیزی فرستاده بود نزدیک وکیل درش تا پیش آورد، همچنان و کلاء بزرگان اطراف چون خوارزمشاه آلتون‌تاش و امیر چغانیان و امیر گرگان و ولات قصدار و مکران و دیگران بسیار چیز آوردند و روزی بانام بگذشت<sup>۳۳</sup>»  
بیهقی هم چنین مینویسد :

«روز دوشنبه شانزدهم ذوالقعدة مهرگان بود، امیر، رضی‌الله‌عنه، بامداد بجهن بنشست، اما شراب نخورد؛ و نثارها و هدیه‌ها آوردند از حد و اندازه گذشته؛ و پس از نماز نشاط شراب کرد و رسم مهرگان تمامی بجای آوردند سخت نیکو با تمامی شرایط آن<sup>۳۴</sup>» نیز ؛

«و امیر، رضی‌الله‌عنه، بجهن مهرگان نشست سه‌شنبه بیست و هفتم ذوالحجه و بسیار هدیه و نثار آوردند<sup>۳۵</sup>».

او (بیهقی) در جای دیگری از تاریخش اضافه می‌کند:

«روز دوشنبه بیست و چهارم ذی‌القعدة مهرگان بود؛ امیر، رضی‌الله‌عنه، بجهن مهرگان بنشست، نخست در صفة سرای نو در پیشگاه و هنوز تخت زرین و تاج و مجلس خانه راست نشده بود، که آن را زرگران در قلعت راست می‌کردند و پس‌ازاین بروزگار دراز راست شد و آن را روزی دیگر ست، چنانکه نبشته آید بجای خویش؛ و خداوند زادگان و اولیا وحشم پیش آمدند و نثارها بکردند و

بازگشتند؛ و همگان را در آن صفه ی بزرگ که بر چپ و راست سرای است، بمراتب بنشانند؛ و هدیه‌ها آوردن گرفتند از آن والی چغانیان و باکالیجار والی گرگان...

... پس امیر برخاست و به سراپچه خاص رفت و جامه بگردانید و بدان خانه زمستانی به گنبد آمد که بر چپ صفه بار است - و چنان دوخانه، تابستانی به راست و زمستانی به چپ کسی ندیده است و گواه عدل خانه‌ها بر جای است که بر جای باد، بیاید رفت و بدید- و این خانه را آذین بسته بودند سخت عظیم و فراخ و آنجا تنور [ی] نهاده بودند که به نردبان فراشان به آنجا رفتندی و هیزم نهادندی و تنور بر جای است آتش در هیزم زدند و غلامان خوانسالار با بلسکها درآمدند و مرغان گردانیدن گرفتند و خایه و کوازه و آنچه لازمی روز مهرگان است ملوک را از سوخته و برگان روده می‌کردند؛ و بزرگان دولت به مجلس حاضر آمدند و ندیمان نیز بنشستند و دست بکار کردند و خوردنی علی طریق الاستلات می‌خوردند؛ و شراب روان شد به بسیار قدها و بلیه‌ها و ساتگینها و مطربان زدن گرفتند و روزی بود چنانکه پادشاه پیش گیرد<sup>۲۶</sup>...

در گزارش بالا از بییهقی به این رسوم اشاره رفته است:

۱- جامه گردانیدن و خانه عوض کردن سلطان: که نشانه شروع فصل سرماست.

۲- هدیه آوردن برای سلطان: گویا خراج این موقع سال وصول می‌شده که برای کشاورزان و دامداران وقت مناسبی است.

۳- خوان گسترانیدن: خوراک‌هایی که برخوان می‌نهادند شایان تأمل و عبارتند از:

الف- سوخته: نانی است که خمیر آن را به آب پیاز کنند<sup>۲۷</sup>.

ریشه‌های گیاهان در جشن مهرگان جایگاهی خاص دارند. زردشتیان برای مهرگان غذایی به نام دون درست می‌کنند که در آن ریشه چند گیاه از قبیل سیب‌زمینی و شلغم به کاررفته است و آن را بر بام می‌نهند تا اسب مهر ایزد بیاید و از آن بخورد<sup>۲۸</sup>. در عوض، کاشانی‌ها در شب اول اسفند آشی حاوی انواع خشکبار می‌پزند و در تنور می‌گذارند تا اسب اسفندیار از آن بخورد<sup>۲۹</sup>. طبیعی است که ریشه‌ها انرژی مغناطیسی دارند و انرژی نوری خورشید را جذب می‌کنند که شاید اسب مهر ایزد همین نوع خاص انرژی باشد. وارونه این قضیه خشکبار است که انرژی نوری دارند و انرژی مغناطیسی زمین را جذب می‌کنند که احتمالاً منظور از اسب اسفندیار همان است.

ب- کوازه: کوازه، کواژی، گوازه تخم‌مرغ نیم‌بند را گویند.<sup>۳۰</sup>

در نوروز تخم‌مرغ سفت می‌پزند که چگالیش به‌طور مساوی تقسیم‌شده و زرده‌اش درست در وسط آن است، به نشانه خورشیدی که در اعتدال است. کوازه زرده‌اش آویزان است. خورشید پاییزی هم سرزولیش را طی می‌کند و تمایل به پایین دارد.

ج- مرغ درسته بریان: مرغ نماد بشارت است. مرغ درسته بریان دریکی از داستانهای شاهنامه نقش مهمی دارد. جایی که منیژه به دیدار رستم می‌رود، بی‌آنکه او را بشناسد؛ و رستم توسط او مرغ بریانی برای بیژن می‌فرستد که انگشتی وی با خاتم فیروزه و نام رستم حک‌شده بر آن در شکم مرغ است و بشارت آمدن رستم را می‌دهد.

د- بره روده کرده: روده کردن یعنی مرغ یا گوسفند را پس از ذبح در آب گرم انداختن و موهای آن را کندن. (همان: ذیل روده کردن).

در برخی از روستاهای زردشتی‌نشین یزد، آیین قربانی کردن گوسفند برای مهر ایزد هنوز پایدار است. بره‌ای را به هنگام زایش نذر مهر ایزد کرده و آن را به‌خوبی پرورش می‌دهند، آنگاه بایستی آن را در هاونگاه مهرگان (از بامدادان تا نیمروز) در زیر پرتو خورشید قربانی کنند. شاید به این دلیل است که برگان خوان سلطان مسعود روده کرده هستند و هنوز طبخ نشده‌اند. زردشتیان نیز گوسفند قربانی شده را در تنورخانه بریان می‌کنند و سینی گوسفند بریان را بر روی سه سنگ که نماد گفتارنیک، کردارنیک و پندارنیک است می‌گذارند.<sup>۳۱</sup>

«او (سلطان مسعود) بر تخت می‌نشست، به‌افتخار این روز فرخنده شراب می‌نوشیدند و جشن مهرگان، باشکوه‌تر و مجلل‌تر برگزار می‌گردید.<sup>۳۲</sup>»

در عصر غزنوی جشن مهرگان از همه جشن‌ها باشکوه‌تر بوده و قابل ذکر است که گاهی به علت برخی مشکلات و یا هم‌زمانی باروزی خاص، امیر این جشن را ساده برگزار می‌کرد.

«روز چهارشنبه نهم ذوالحجه بچشم مهرگان بنشست و هدیه‌های بسیار آوردند؛ و روز عرفه بود، امیر روزه داشت و کس را زهره نبود که پنهان و آشکارا نشاط کردی.<sup>۳۳</sup>»

## ۲) جشن‌های مذهبی:

### ۲-۱) عید فطر:

یکی از اعیاد مهم مسلمانان سراسر جهان، عید فطر است، که در روز اول ماه شوال و پس از یک ماه روزه‌داری، جشن گرفته می‌شود و نماز این عید به جای آورده می‌شود. این عید که معنای آن «آفرینش» است در واقع همتای نوروز به شمار می‌رود، زیرا چنان که گفته شده نوروز نیز جشن گرمی داشت آفرینش است. در تقویم رسمی امروز ایران، همچون دیگر کشورهای اسلامی، عید فطر تعطیل رسمی است.<sup>۳۴</sup>

در تاریخ بیهقی آمده که امیر قبل از فرارسیدن عید فطر دستور می‌داد تا وسایل و هر آنچه برای آن لازم است مهیا کنند.

بیهقی آماده شدن برای عید فطر سال ۴۲۸ هجری قمری را چنین بیان می‌کند:

«... و روز دوشنبه عید فطر بود. امیر پیش بیک هفته مثال داده بود ساختن تعبیه‌های این روز را؛ و تعبیه‌ای کرده بودند که اقرار کردند پیران کهن که بهیچ روزگار برین جمله یاد ندارند و سوار بسیار بود نیز بدشت شابهار<sup>۳۵</sup>»

در این روز علاوه بر نشاط و فراهم کردن بساط شادمانی، خوان‌های مفصلی به این مناسبت گسترده می‌شد و هر گروه و مرتبه برخوان می‌نشستند و شاعران شعر می‌خواندند.

«...و امیر بهرات آمد دو روز مانده از این ماه (رمضان) و در کوشک مبارک فرود آمد و آنجا عیدی کرد که اقرار کردند که چنان عید هیچ ملک نکرده است. خوانی نهاده بودند سلطان را در آن بنای نو که در باغ عدنانی ساخته بودند و خوان‌های دیگر نهاده بودند در باغ عدنانی، سرهنگان تفاریق و خیل‌تاشان را بر آن خوان [ها] بنشانند و شعرا شعر می‌خواندند<sup>۳۶</sup>» بیهقی می‌نویسد؛

«و روز چهارشنبه عید کردند و تعبیه‌ی فرمود بود امیر، رضی‌الله‌عنه، چنانکه بروزگار سلطان ماضی پدرش، رحمه‌الله‌علیه، دیده بودم، وقتی که اتفاق افتادی که رسولان، اعیان و بزرگان عراق و ترکستان به حضرت حاضر بودند؛ و چون عید کرده بود، امیر از میدان به صف بزرگ آمد. خوانی نهاده بودند سخت با تکلف. آنجا نشست و اولیا و حشم و بزرگان را بنشانند؛ و شعرا پیش آمدند و شعر

خواندند و بر اثر ایشان مطربان زدن و گفتن گرفتند؛ و شراب روان شد هم برین خوان و دیگر خوان که سرهنگان و خیل‌تاشان و اصناف لشکر بودند، مشربه‌های بزرگ، چنان‌که از خوان مستان بازگشته بودند. امیر قدحی چند خورده بود از خوان و بتخت بزرگ اصل در صفه‌ی بار آمد و مجلسی ساخته بودند که مانده‌ی آن کس یاد نداشت و وزیر و عارض و صاحب دیوان رسالت و ندما حاضر آمدند؛ و مطربان سرایی و بیرونی دست بکار بردند و نشاطی برپا شد که گفتی درین بقعت غم نماند که همه هزیمت شد؛ و امیر شاعرانی را که بیگانه‌تر بودند بیست هزار درم فرمود و علوی زینبی را پنج‌هزار درم بر پیلی بخانه‌ی او بردند و عنصری را هزار دینار دادند و مطربان و مسخرگان را سی هزار درم<sup>۳۷</sup> بیهقی همچنین آورده است که ؛

«و روز سه‌شنبه عید کردند و امیر، رضی‌الله‌عنه، فرمود تا تکلفی عظیم کردند و پس‌از آن خوان نهاده بودند، اولیا وحشم و لشکر را فرمود تا برخوان شراب دادند و مستان بازگشتند؛ و امیر با ندیمان نشاط شراب کرد و نمود بس طربی که دلش سخت مشغول بود بچند گونه منزلت<sup>۳۸</sup>» نیز بیان می‌کند؛ «...و امیر بدان خانه بهاری که بر راست صفه است بخوان بنشست و فرزندان و وزیر و سپهسالار و امیر دیلمان و بزرگان حشم را برین خوان نشانند و قوم دیگر را بر خوانهی دیگر؛ و شاعران شعر خواندند و پس‌از آن مطربان آمدند و پیاله روان شد، چنانکه از خوانها مستان بازگشتند<sup>۳۹</sup>»

اما زمانی که گرفتاری و مشکلی در کارها بود این مراسم بدون تشریفات انجام می‌گرفت و شعر خوانده نمی‌شد، بیهقی دل‌مشغولی امیر را در عید فطر سال ۴۲۹ هجری قمری چنین بیان می‌کند:

«و روز آدینه عید فطر کرده آمد؛ امیر نه شعر شنود و نه نشاط شراب کرد از تنگدلی که بود هر ساعت صاعقه‌ی دیگر، خبری رسیدی از خراسان<sup>۴۰</sup>»

## ۲-۲) عید اضحی (قربان):

دومین عید بزرگ مسلمانان که پیامبر اسلام (ص) آوردن آن را نوید داده، عید قربان است که به‌اتفاق عید فطر، زوجی را تشکیل می‌دهد که همتای اسلامی زوج ایرانی، یعنی نوروز و مهرگان است<sup>۴۱</sup>.

عید قربان در دهم ذی‌الحجه، هنگامی برگزار می‌شود که زائران خانه‌ی خدا در مکه و نیز بسیاری از مسلمانان در نقاط دیگر در بزرگ داشت اقدام نخستین قربانی کننده‌ی ادیان توحیدی، یعنی حضرت ابراهیم (ع)، این عمل آیینی را تکرار می‌کنند. این روز که عید اضحی یا عید گوسپند

کشان نیز نامیده می‌شود، از صدر اسلام باشکوه بسیار برگزار می‌شد و مردم پس از خواندن نماز شکر و انجام قربانی به تقدیم هدایایی به یکدیگر می پرداختند.<sup>۴۲</sup>

روز پس از عید قربان، به نام عرفه و سه روز بعدی، موسوم به ایام تشریق نیز در گذشته جشن گرفته می‌شدند.<sup>۴۳</sup>

این عید همچون دیگر جشن‌ها در عصر غزنوی با تکلف برگزار می‌شد. بعد از اینکه نماز عید و قربانی به جای آورده می‌شد امیر به خوان می‌نشست و همه‌ی بزرگان را به خدمت می‌پذیرفت.

ابوالفضل بیهقی عید اضحی را چنین بیان می‌کند: «... و روز [یک] شنبه دهم ذی‌الحجه رسم عید اضحی با تکلف عظیم بجای آوردند و بسیار زینتها رفت از همه معانی<sup>۴۴</sup>». همچنین ذکر می‌کند:

«و روز یکشنبه نهم ذی‌الحجه و دوم روز از آن عید کردند و امیر، رضی‌الله‌عنه، بدان خضرا آمد که بر زبر میدان است و روی بدشت شابهار و بایستاد و نماز عید کرده آمد و رسم قربان بجای آورده شد و امیر از خضرا بزیر آمد و در صفه‌ی بزرگ که خوان راست کرده بودند، بنشست و اولیا وحشم و بزرگان را بخوان فرود آوردند و برخوان شراب دادند و بازگردانیدند<sup>۴۵</sup>». بیهقی در جای دیگر بیان میدارد که: «و روز شنبه عید اضحی کردند با تکلف و کارها رفت این روز از تعبیه‌ی لشکر پیاده و سوار بدرگاه بودن و آلت و زینت بی‌اندازه اظهار کردن، که رسولان ارسلان خان و بغراخان و لشکر خان والی سمکان آمده بودند و خوانهای با تکلف نهادند و شراب خوردند<sup>۴۶</sup>».

امیر مسعود روز عرفه یعنی نهم ذی‌الحجه را معمولاً روزه می‌گرفت و از نشاط و شراب دست می‌کشید.

«و روز چهارشنبه نهم ذوالحجه بجشن مهرگان بنشست و هدیه‌های بسیار آوردند؛ و روز عرفه بود، امیر روزه داشت و کس را زهره نبود که پنهان و آشکارا نشاط کردی<sup>۴۷</sup>». نیز؛

«... و دیگر روز عید اضحی کردند و امیر بسیار تکلف کرده بود هم به معنی خوان نهادن و وهم بحدیث لشکر، که دولشکر درهم افتاده بود و امیر مدتی شراب نخورده؛ و پس از نماز و قربان امیر برخوان نشست و ارکان دولت و اولیا وحشم را فرود آوردند و بخوانها بنشانند و شاعران شعر خواندند، که عید فطر شعر نشنوده بود و مطربان بر اثر ایشان زدن گرفتند و گفتن و شراب روان شد و مستان بازگشتند؛ و شعرا را صله فرمود و مطربان را نفرمود<sup>۴۸</sup>».



یکی از کارهایی که سلطان در روز عید اضحی انجام می‌داد، سان دیدن از لشکریان بود.

«... وعید اضحی فراز آمد، امیر تکلفی بزرگ فرمود از حد و اندازه گذشته؛ و هرات شهری است که آن سلاح که آنجا بود بهیچ شهر نبود، روز عید چندان سوار و پیاده‌ی تمام سلاح بمیدان آمد که اقرار دادند پیران معتمد که بهیچ روزگار مانند آن یاد ندارند. وعید کرده آمد وخوانها نهادند و شراب دادند. پس عید لشکر عرض کرد امیر بدشت خدایان و هرکس که نظاره‌ی آن روز بدید اقرار داد که بهیچ روزگار چنین لشکر یاد ندارد»<sup>۴۹</sup>. همچنین؛

«وعید اضحی فراز آمد، امیر مثال داد که هیچ تکلفی نباید کرد بحدیث غلامان و پیاده و حشم و خوان و بر خضرا از بر میدان آمد و نماز عید کردند و رسم قربان بجای آوردند، عیدی سخت آرامیده و بی مشغله و خوان نهادند و رسم قربان بجمله بازگردانیدند؛ و مردمان آنرا بفال نیکو نداشتند؛ و می‌رفت چنین چیزها، که عمرش بیابان نزدیک آمده بود و کسی نمی‌دانست»<sup>۵۰</sup>.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در دوره غزنوی برگزاری جشن‌های مذهبی اهمیت زیادی داشته است و همان‌طور که ذکر شد بیشتر جشن‌ها با تکلف خاصی برگزار می‌شده است مگر بعضی مواقع که یا جشن مهرگان و عرفه باهم تداخل پیدا می‌کنند یا مشکلات و اتفاقاتی در روز جشن بوجود آمده بود.

### نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که کتاب تاریخ بیهقی به حقیقت تاریخ تمام‌نمایی از فرهنگ و رسوم و نوع مملکت‌داری دوره غزنوی است. بیهقی در این اثر توانسته باهنر دبیری و حضور شخصی در اکثر اتفاقات عصر خود، گوشه‌هایی از خفایا و زوایای زندگی درباری و مردم آن عصر را برای آیندگان ترسیم کند. زیرا این اثر هم می‌تواند از نظر نثر ادبی و هم ارزش تاریخی برای فرهنگ دوستان مفید باشد و با تعمق و تحقیق در آن، مقالات و پژوهش‌های مفید و ارزنده‌ای به جامعه علمی کشور ارائه داد. در کتاب تاریخ بیهقی تصویری از جشن‌های ملی و مذهبی که در دربار و میان مردم عصر غزنوی رواج داشته با قلمی روان به رشته کشیده شده است. این جشن‌ها در دوره غزنوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و هرکدام از جشن‌ها باشکوه و جلال بر پا داشته می‌شده است. چنان‌که در بعضی از جشن‌ها چند روز قبل وسایل و آلاتی تعبیه می‌کردند تا هرچه باشکوه‌تر برگزار شود و خود امیر هم در این مراسم و جشن‌ها شرکت می‌کرد. در دربار غزنوی جشن‌های مذهبی نسبت به

جشن‌های ملی مهم‌تر بوده و این خود گواهی بر تأثیر فراوان حکومت بغداد و خلیفه بر حکومت غزنوی است، البته نباید فراموش کرد که جشن مهرگان که از جشن‌های ملی است، جایگاهی خاص در این بین دارد. توجه امیر مسعود که خود غیر ایرانی و ترک نژاد بود به جشن‌های ملی ایرانیان، نشان از تأثیر فرهنگ ایرانی بر حکومت‌هایی است که غیر ایرانی بوده و نتوانسته‌اند عناصر فرهنگی ایران را تغییر دهند بلکه خود در فرهنگ ایرانی تجزیه شده‌اند. شاید این خود سیاست این حکومت‌ها باشد که از این طریق وحدت اقوام مختلف ایرانی را حفظ نمایند و بتوانند به راحتی بر این سرزمین پهناور حکومت کنند. از طرف دیگر به نظر می‌رسد این حکومت ترک نژاد، برای آنکه پایه‌های سلطنت خود را در ایران محکم کند به تجدید و برپایی جشن‌های ملی ایرانی توجه خاصی داشته است که نمونه‌های روشنی از آن در متن مقاله آمده است و همچنین برای جلب نظر خلیفه بغداد و مشروعیت یافتن حکومت خویش از سوی خلیفه، سعی نموده که توجه خاصی به اعیاد مذهبی اسلامی داشته باشد.

عوامل مختلف و گوناگونی در برپایی جشن‌های عصر غزنوی مؤثر بوده‌اند که در ذیل به صورت گذار اشاره می‌گردد:

(۱) عوامل سیاسی و اجتماعی و روحیه حاکمان در انعکاس این جشن‌ها بسیار مؤثر بوده است؛ چنان که پیروزی‌ها و شکست‌های حاکمان را باید از این عوامل دانست؛ به عنوان نمونه شکست مسعود غزنوی از سلجوقیان<sup>۵۱</sup> یا حمله‌ی غزان به نیشابور و اسارت سنجر در سال ۵۵۰ هجری قمری<sup>۵۲</sup>.

(۲) برپایی جشن‌های ایرانی از سوی حاکمان غزنوی و سلجوقی سبب مقبولیت آنان در میان مردم ایران و توجه به اعیاد اسلامی زمینه مشروعیت آنان را فراهم می‌کرد؛ و امثال آن در این راه بسیار تأثیر داشته است.

بنابراین بر اساس یافته‌های بدست آمده و در پی پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش می‌توان گفت که در اثر گران سنگ تاریخ بیهقی، جشن‌های ملی و مذهبی عصر غزنویان و چگونگی برگزاری این جشن‌ها با ظرافت و زیبایی خاصی انعکاس یافته است. پس فرض تحقیق هم مورد تایید قرار می‌گیرد، که بیهقی در کتاب خود به خوبی انعکاس جشن‌های ملی و مذهبی عصر غزنوی را برای خوانندگان به تصویر کشیده است.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱ صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷). **گاهشماری و جشن‌های ملی ایرانیان**، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، ص. ۲۰.
- ۲ مسجدی، حسین و صالحی ساداتی زهرا (۱۳۸۴)، «بازتاب مراسم و آداب ایرانی در تاریخ بیهقی» فصلنامه هستی، شماره ۲۴، صص ۴۸-۲۹.
- ۳ حسینی کارزونی، سید احمد (۱۳۸۴)، **فرهنگ تاریخ بیهقی**، صص ۳۰۲ و ۳۰۳.
- ۴ فلاح رستگار، گیتی (۱۳۷۴)، **آداب و رسوم و تشریفات دربار غزنه**، ص. ۴۱۲ و ۴۱۳.
- ۵ دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، «**لغت‌نامه**»، دانشگاه تهران، ص. ۷۷۵۶.
- ۶ گرگانی، امیر فریدون (۱۳۵۵)، **گاهنامه‌ی روز یکم**، تهران: دفتر انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، ص. ۲۵.
- ۷ زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸)، **نقش بر آب**، تهران: معین، ص. ۴۶۰.
- ۸ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۵)، **تاریخ بیهقی**، علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۷۵۵.
- ۹ **همان**، ص. ۸۹۷.
- ۱۰ **همان**، ص. ۹۴۱.
- ۱۱ انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، **جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان**، تهران: امیرکبیر، ج ۱، چ ۲، ص. ۲۳۱.
- ۱۲ بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۷)، **التفهیم لاوائل صناعه التنجیم**، به کوشش جلال همایی، تهران: هما، چ ۴، ص. ۲۵۷.
- ۱۳ فردوسی طوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، **شاهنامه**، حمیدیان، سعید، تهران: قطره، ص. ۱۰.
- ۱۴ بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۵)، **تاریخ بیهقی**، علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۶۶۶.
- ۱۵ **همان**، ص. ۶۶۷.
- ۱۶ **همان**، ص. ۳۳۷.
- ۱۷ رضی، هاشم (۱۳۵۰)، **فرهنگ نام‌های اوستا**، تهران: سازمان فروهر، ج ۳، چ ۱، ص. ۱۹۵.
- ۱۸ بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۷)، **التفهیم لاوائل صناعه التنجیم**، به کوشش جلال همایی، تهران: هما، چ ۴، ص. ۲۵۵.
- ۱۹ فردوسی طوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، **شاهنامه**، حمیدیان، سعید، تهران: قطره، ص. ۳۱.

<sup>۲۰</sup> بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۵)، **تاریخ بیهقی**، علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۷۲۵.

<sup>۲۱</sup> صفا، ذبیح‌الله (۱۳۱۳)، «جشن مهرگان»، **مجله‌ی مهر**، شماره ۱۲، ص ۹۱۷.

<sup>۲۲</sup> بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۵)، **تاریخ بیهقی**، علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۸۸۶.

<sup>۲۳</sup> همان، ص. ۴۴۲.

<sup>۲۴</sup> همان، ص. ۷۱۵.

<sup>۲۵</sup> همان، ص. ۹۲۵.

<sup>۲۶</sup> همان، ص. ۷۲۵.

<sup>۲۷</sup> دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، «**لغت‌نامه**»، دانشگاه تهران، ص. ۷۷۵۶. دهخدا، لغت‌نامه، ذیل سوخته.

<sup>۲۸</sup> رضی، هاشم (۱۳۵۰)، **فرهنگ نام‌های اوستا**، تهران: سازمان فروهر، ج ۳، چ ۱، ص. ۵۱۲.

<sup>۲۹</sup> انجوی شیرازی، ابوالقاسم و ظریفیان محمود، **گذری و نظری در فرهنگ مردم**، اصفهان، اسپرک، ص. ۷۹.

<sup>۳۰</sup> دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، «**لغت‌نامه**»، دانشگاه تهران، ص. ۷۷۵۶.

<sup>۳۱</sup> فره وشی، بهرام (۱۳۶۴)، **جهان فروری**، تهران: کاویان، چ ۲، ص. ۹۵.

<sup>۳۲</sup> یاحقی، محمدجعفر (۱۳۴۹)، **یادنامه ابوالفضل بیهقی، مجموعه مقالات**» مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۴۳۱.

<sup>۳۳</sup> بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۵)، **تاریخ بیهقی**، علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۸۸۶.

<sup>۳۴</sup> بهرامی، عسکر (۱۳۸۶)، **جشن‌های ایرانیان**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص. ۹۳.

<sup>۳۵</sup> بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۵)، **تاریخ بیهقی**، علی اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۷۴۶.

<sup>۳۶</sup> همان، ص. ۴۰.

<sup>۳۷</sup> همان، ص. ۴۲۳.

<sup>۳۸</sup> همان، ص ۶۴۸.

<sup>۳۹</sup> همان، ص. ۷۴۷.

<sup>۴۰</sup> همان، ص. ۸۷۷.

<sup>۴۱</sup> بهرامی، عسکر (۱۳۸۶)، **جشن‌های ایرانیان**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص. ۹۳.

<sup>۴۲</sup> همان، ص. ۹۳.

<sup>۳۳</sup> بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷)، **آثارالباقیه عن قرون الخالیه**، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیرکبیر، چ ۴، ص. ۳۵۶.

<sup>۳۴</sup> بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۵)، **تاریخ بیهقی**، علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص. ۴۳۸.

<sup>۳۵</sup> همان، ص. ۷۲۵.

<sup>۳۶</sup> همان، ص. ۷۵۲.

<sup>۳۷</sup> همان، ص. ۸۸۶.

<sup>۳۸</sup> همان، ص. ۸۸۷.

<sup>۳۹</sup> همان، ص. ۹۲۱.

<sup>۴۰</sup> همان، ص. ۹۸۲.

<sup>۴۱</sup> همان، ص. ۷۲۵.

<sup>۴۲</sup> ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۰)، **تاریخ کامل**، حسین روحانی، تهران: اساطیر، ص. ۱۱۳.